

# اخلاق مبالغان

## مدارا در تبلیغ

محمدعلی پیلتن

### مفهوم‌شناسی مدارا

نوعی از فریب حاصل شده باشد)<sup>۳</sup> گرفته شده است.

«مدارا» در حالت اسم مصدری به

از این رو، این لغت اگر مهموز باشد

معنای صلح، آشتی، نرمی، رفق، ترفُّق،

(مداراة) به معنای «پرهیزکردن از شرِّ

مجاملت و مماشات است و در حالت

دیگری» است و اگر بدون همزه بیاید

مصدری به معنای رعایت کردن، نرمی و

(مداراة)، به معنای «فریب‌دادن» است. گویی

ملاطفت نمودن و به مهربانی رفتار کردن.<sup>۱</sup>

آدمی با تحمّل طرف مخالف و برخورد

لغت‌شناسان درباره ریشه کلمه «مدارا»

ملایم با او، وی را در کمند محبّت خویش

با هم اختلاف دارند؛ عده‌ای ریشه آن را

گرفتار می‌سازد.<sup>۴</sup>

«درء» به معنای «دفع کردن»<sup>۲</sup> می‌دانند و

عده‌ای دیگر معتقدند که علاوه بر درء از

«دری» به معنای دانستن (شناختی که با

۳. شناختی که با نوعی از فریب حاصل شده است؛ رک:

المفردات، راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۳۱۲؛ دانستن؛ رک:

لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۳۶۳ش،

ج ۱۴، ص ۲۵۴؛ و معرفی که بدون مقدمات معمول به

دست می‌آید؛ رک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم،

حسن مصطفوی، ج ۳، ص ۲۰۸.

۴. سازگاری و گذشت (مدارا و عفو)، دانشگاه علوم

اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ش، جواد ایروانی، ص ۱۱.

۱. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، محمد معین و سید جعفر

شهیدی، مؤسسه دهخدا، تهران، ۱۳۷۷ش، ج ۱۳،

ص ۲۰۵۲۱.

۲. دفع کردن شیء؛ رک: معجم مقاییس اللغة، ابن فارس،

دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۱م، ج ۲، ص ۲۷۲.

صَاحِبِ الْأَثْنَيْنِ لِصَاحِبِ الْوَاحِدِ لَسْتَ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَتَّبِعِيَ إِلَى الْعَاشِرِ فَلَا تُسْقِطْ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيُسْقِطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ وَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْفَعْهُ إِلَيْكَ بِرَفْقٍ وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ فَإِنَّ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ<sup>۲</sup>؛ به راستی ایمان ده درجه است و چون نردبان، پله به پله از آن بالا می‌روند. آنکه دو پله صعود کرده است، به آنکه یک پله بالا آمده، نگوید: تو چیزی نیستی تا برسد به آن کس که در پله دهم است. کسی را که از خودت پایین‌تر است، دور نینداز تا آنکه بالاتر از تو است، تو را دور نیندازد و چون دیدی کسی از تو یک درجه پایین‌تر است، او را به نرمی به سوی خود بالا ببر و بر او آنچه را تاب نیارد، بار مکن تا او را بشکنی؛ زیرا هر کس مؤمنی را بشکند، بر او است که شکست او را جبران کند.»

۳. «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَنَازِلَ مِنْهُمْ عَلَى وَاحِدَةٍ وَمِنْهُمْ عَلَى اثْنَيْنِ وَعَلَى ثَلَاثٍ وَمِنْهُمْ عَلَى أَرْبَعٍ وَمِنْهُمْ عَلَى خَمْسٍ وَمِنْهُمْ عَلَى سِتٍّ وَمِنْهُمْ عَلَى سَبْعٍ فَلَوْ ذَهَبَتْ تَحْمِلُ عَلَى صَاحِبِ الْوَاحِدَةِ ثَمَنِينَ لَمْ يَقْوَوْا وَعَلَى

أَمَّا «مدارا» در اصطلاح به معنای «مراعات ظرفیتهای و سطوح مختلف مخاطبان» است؛ چراکه ظرفیت و توانایی عقلی، ایمانی و جسمی افراد با یکدیگر متفاوت است و از این رو، مبلغ در تبلیغ دین باید به ظرفیت مخاطبان خود و اقتضائات آنان توجه نموده، از آنها بیش از توانشان توقع نداشته باشد.

«مداراکننده» فردی واقع‌بین است و به اندازه فهم و طاقت افراد از آنها توقع و انتظار دارد. در عین حال، موظف است که با ملایمت، سطح درک، طاقت و درجه ایمان آنها را افزایش دهد؛ چه مؤمن باشند و چه بی‌ایمان. البته هر چه میزان ایمان افراد بیشتر باشد، صمیمیت و مدارای میان آنها نیز بیشتر خواهد بود:

درباره لزوم رعایت اصل مدارا آیات و روایات فراوانی وجود دارد که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>۱</sup>  
«خداوند هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی‌کند.»

۲. «إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلْمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ مِرْقَاةٍ فَلَا يَقُولَنَّ

۲. الکافی، شیخ کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۴۵.

۱. بقره / ۲۸۶.

صاحبِ الثَّيْنِ ثَلَاثًا لَمْ يَقُو...<sup>۱</sup> همانا مؤمنان در مراتب مختلفی قرار دارند؛ بعضی در یک مرتبه هستند و بعضی در دو و بعضی در سه مرتبه و بعضی در چهار مرتبه و بعضی در پنج مرتبه و بعضی در شش مرتبه و بعضی در هفت مرتبه. پس اگر به آن کس که در مرتبه اول است، به اندازه کسی که در مرتبه دوم است تحمیل کنی، تحمّل نخواهد کرد و اگر بر آنکه در مرتبه دوم است به اندازه مرتبه سوم تحمیل کنی تحمّل نمی کند»

۴. «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلُّمُ النَّاسَ عَلَى

قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛<sup>۲</sup> ما انبیا با مردم به میزان عقلشان سخن می گویم.»

نه تنها در رابطه با مؤمنین؛ بلکه در برخورد با مخالفین نیز باید مدارا پیشه کرد. خدای متعال به حضرت موسی و هارون عليه السلام دستور می دهد که در مقابل طغیان گری فرعون بایستند تا او را از این کار بازدارند: «اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى»؛<sup>۳</sup> «به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است»؛ اما در عین حال می فرماید: «فَقُولَا لَهُ

قَوْلًا لَّيْنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»؛<sup>۴</sup> «[حق را] با نرمی و مدارا به او بگویند تا شاید [قلب او] خاشع و تسلیم [حق] گردد.»

۵. امام صادق عليه السلام نیز درباره مدارا با

مؤمنان و مخالفان می فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ حُسْنًا مَّا مَنِعَهُمْ وَمُخَالَفَهُمْ أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسِطُ لَهُمْ وَجْهٌ وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيُكَلِّمُهُم بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ فَإِنْ اسْتَرَّ مِنْ ذَلِكَ يَكْفُ شُرُورَهُمْ عَنْ نَفْسِهِ وَعَنْ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ»؛<sup>۵</sup> با تمامی مردم، اعم از مؤمن و مخالف، به نیکی سخن بگویند؛ زیرا سخن نیکو موجب شادی مؤمنان و جذب مخالفان به ایمان می شود. پس اگر ایشان از ایمان آوردن سر باز زدند، مدارا کردن خود فرد و برادران مؤمنش را از شر آنها باز می دارد.»

۶. در مواقعی مدارا به عنوان ابزاری

برای در امان ماندن از شر دیگران نیز مورد استفاده قرار می گیرد که در پایان حدیث امام صادق عليه السلام به آن اشاره شده است.

«ذَارِ النَّاسِ تَأْمَنُ غَوَائِلُهُمْ وَتَسْلَمُ مِنْ

مَكَايِدِهِ»؛<sup>۶</sup> با مردم مدارا کن تا از شر و مکر

۴. همان / ۴۴.

۵. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری عليه السلام،

ص ۳۵۳.

۶. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی، دفتر تبلیغات

اسلامی، قم، ص ۴۴۵.

۱. همان.

۲. المحاسن، احمد بن محمد برقی، دار الکتب الاسلامیه،

قم، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۹۵.

۳. طه / ۴۳.

بیشتر باشد، شدت مدارای با او نیز افزایش می‌یابد. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «دَارَ الْمُؤْمِنِ مَا اسْتَطَعْتَ»<sup>۳</sup>

۴. «مدارا» دارای دو کارکرد می‌باشد: یکی کارکرد حداکثری که در آن مبلغ به طور مستقیم و از طریق مراعات و توجه به ظرفیت مخاطب، برای ایجاد یا تعمیق رتبه ایمانی او می‌کوشد، و دیگری، کارکرد حداقلی مدارا است که مبلغ به طور غیر مستقیم، از طریق دفع شر مخالفان و برای حفظ امنیت خود و سایر مؤمنین، به حقیقت پایبند است؛ زیرا در شرایط ناامنی، گرایش به حق کاهش می‌یابد. البته مباحث ما مربوط به سطح حداکثری مدارا می‌باشد.

### اهمیت و فایده مدارا

روایاتی که بر مدارا تأکید و صراحت دارند، به قدری فراوان است که جای هیچ تردیدی در اهمیت بسیار بالای آن در تمامی زندگی، به‌ویژه در تبلیغ دین باقی نمی‌ماند. در اینجا به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

آنان در امان بمانی»

و نیز فرمودند: «مَنْ دَارَى النَّاسَ سَلِمَ»<sup>۱</sup>

هر کس با مردم مدارا کند، سالم می‌ماند.»

۷. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ مُدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ»<sup>۲</sup> قطعاً مدارای با دشمنان خدا، بهترین صدقه فرد برای خود و برادرانش است.»

طبق آنچه در باب «مدارا» گذشت، می‌توان دریافت که:

۱. چون «مدارا» سیر انسان به سوی هدف غایی‌اش را تسهیل و تسریع می‌کند، مطلوب، مجاز و مشروع می‌باشد. بیان شد که به تصریح روایات، محدوده مدارا تا آنجا است که وهنی بر اسلام وارد نشود و با آن به باطلی داخل، و از حقی خارج نشویم.

۲. چون افراد در وسع و رتبه عقلی، ایمانی و عملی با یکدیگر متفاوت هستند، «مدارا» مطرح می‌شود.

۳. مدارا در رفتار، توأم با ملایمت و نرمی است و شامل حال مؤمنین و مخالفین می‌شود؛ ولی هر چه میزان ایمان مخاطب

۱. همان.

۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، نشر مدرسه امام مهملی (عج)، قم، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۴.

۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، انتشارات اسلامیه، تهران، ج ۷۱، ص ۲۳۰.

مدخلیت کامل است؛ چه در باب معاشرت با خَلْق و انجام امور دنیوی، و چه راجع به امور دینی و هدایت و ارشاد خلق و باب امر به معروف و نهی از منکر، و چه راجع به ریاضت نفس و سلوک الی الله تعالی.<sup>۶</sup>

ایشان همچنین درباره فایده مدارا و نیز کیفیت اثرگذاری آن بر مخاطبان می فرمایند:

«رفق و دوستی، دل را رام کند که با رام شدن آن، تمام قوای ظاهره و باطنه رام شود، و فتح قلوب از فتح ممالک بالاتر است. خدمتهای از روی صداقت و جان فشانیها، همه از فتح قلوب است. با فتح قلوب، فتح ممالک نیز شود. فتوحات اسلامی در اثر فتح قلوب نظامی اسلامی بود؛ و آلا با آن عده و عده، این پیشرفتهای غیر ممکن بود.»

و «بالجمله رفق و مدارا در پیشرفت مقاصد از هر چیز مؤثرتر است، و چنانچه در مقاصد دنیایی چنین است، در مقاصد دینی از قبیل ارشاد و هدایت مردم رفق و مدارا از مهمّات است که بدون آن، این مقصد شریف عملی نخواهد شد.»<sup>۷</sup>

«أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ؛<sup>۱</sup> پروردگار مرا به مدارای با مردم امر کرده است.»

۲. امام علی علیه السلام می فرماید: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛<sup>۲</sup> رأس حکمت مدارای با مردم است.»

۳. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جای دیگری می فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ؛<sup>۳</sup> عاقل ترین مردم کسی است که بیش از همه با دیگران مدارا می کند.»

۴. آن حضرت در جای دیگری می فرماید: «عِنْوَانُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛<sup>۴</sup> مدارا کردن با مردم نشانه عقل است.»

۵. امام علی علیه السلام می فرماید: «وَاعْلَمُ أَنَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛<sup>۵</sup> بدان که رأس عقل، بعد از ایمان به خدای عزّ و جلّ، مدارای با مردم است.»

امام خمینی رحمته الله علیه نیز به اصل مدارا در امور مختلف توجه خاصی دارند و در این باره می فرمایند:

«بدان که رفق و مدارا را در انجام امور

۱. الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی، ص ۴۴۵.

۳. مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۹، ص ۳۹.

۴. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی، ص ۴۴۵.

۵. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۶۶ش، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۶. شرح حدیث جنود عقل و جهل، روح الله خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۳۸۷ش، ص ۳۱۵.

۷. آداب الصلاة (آداب نماز)، روح الله خمینی، مؤسسه

رحمت کند بنده‌ای را که محبت مردم را به سوی خود جلب کند! برای مردم، آنچه را برمی‌تابند، بازگو کنید، و آنچه را انکار می‌کنند، از آنان پنهان نمایید.<sup>۲</sup>

راوی می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، به من فرمودند: به عباس بگو از سخن گفتن درباره توحید و جز آن اجتناب کند و برای مردم بدانچه آن را برمی‌تابند، سخن گوید و از آنچه انکار می‌کنند، دست شوید، و هر گاه از تو از توحید پرسند، همان سخن خداوند را برای آنان بازگو کن و بگو: «او خدایی است یکتا؛ خدای بی‌نیاز. نه کسی را زاده و نه از کسی زاده شده، و او را هیچ همتایی نباشد» و هر گاه از تو از چگونگی (خداوند) پرسند، همان سخن خداوند را به آنان بگو که: «چیزی شبیه به او نیست» و هر گاه از تو از صفت «شنیدن» خدا پرسش کنند، همان‌گونه که خداوند فرموده، بگو: «او شنوای آگاه است» پس با مردم به آنچه آن را برمی‌تابند، سخن بگوید.<sup>۳</sup>

مدارا در اعتقادات همچنين به معنای

۲. الکافی، شیخ کلینی، الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۲۲.
۳. التوحید، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق، ص ۹۵.

## ابعاد مدارا

### ۱. مدارا در عقاید دینی

مدارا در اعتقادات؛ یعنی رعایت مراتب و سطوح مخاطبان در تبیین عقاید. باید حقایق دینی را به نحوی برای افراد بیان کرد که برای ایشان قابل فهم باشد؛ چراکه بیان برخی از مطالب دینی که بیش از ظرفیت افراد است، به انکار آن عقاید از سوی آنان منجر خواهد شد.

امام زین العابدین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أما حقّ کسی که پند می‌گیرد: حقّ او آن است که... به او سخنی بگویی که عقلش تاب آن را دارد؛ زیرا برای هر مرتبه‌ای از عقل، طیفی از گفتار است که آن را می‌شناسد و از آن اجتناب می‌کند.»<sup>۱</sup>

«عبد الاعلی» می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: پذیرش امر ما تنها به تصدیق آن نیست؛ بلکه پنهان ساختن و حفظ آن از نااهل را نیز شامل می‌شود. به آنان سلام برسان و به ایشان بگو: خداوند

تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۳۷۲ش، ص ۲۳.

۱. «وَأَمَّا حَقُّ الْمُسْتَضِيعِ فَإِنَّ حَقَّهُ أَنْ تُؤَدَّى إِلَيْهِ النَّصِيحَةُ عَلَى الْحَقِّ الَّذِي تَرَى لَهُ أَنْ يَحْمِلَ وَيَخْرُجَ الْمَخْرَجَ الَّذِي يَلِينُ عَلَى مَسَامِعِهِ وَتُكَلِّمُهُ مِنَ الْكَلَامِ بِمَا يُطِيقُهُ عَقْلُهُ فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَةً [طَبَقَةٌ] مِنَ الْكَلَامِ يَعْرِفُهُ وَيُجِيبُهُ وَلِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ» تحف العقول، ابن شعبه حرانی، مصحح: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ش، ص ۲۶۹.

اجازه طرح افکار مخالف به شرط مواجهه صریح و روشن با آنها می‌باشد. به عبارت دیگر، تحمّل عقیده مخالف است که منفعلانه و از سر ناچاری و ضعف نباشد. بنابراین، هر مبلغی در تبلیغ عقاید اسلامی، باید ظرفیت ادراکی مخاطبش را مد نظر داشته باشد. مدارا در این بُعد ممکن است به شکلهای مختلفی تحقق یابد؛ از جمله کتمان معارف عالی اسلام از ناهلان، قابل فهم کردن برخی از معارف از طریق تشبیه، تمثیل و ...، عدم تحمیل عقاید و معارف اسلامی به مخاطبان ضمن تبیین روشن آنها، و ...

## ۲. مدارا در اعمال دینی

مدارا در اعمال دینی بدین معنا است که «اسلام توقع به جا آوردن حداکثرها را از همه دینداران ندارد و همواره به ظرفیتهای محدودیتهای بشری توجه دارد»<sup>۱</sup>

از ویژگیهای احکام اسلامی، جامعیت آن است، به گونه‌ای که از کم‌طاقت‌ترین افراد تا تواناترین آنان، به اندازه ظرفیت خود از چشمه احکام و آداب اسلام بهره می‌برند. احکام اسلامی نه تنها به گونه‌ای است که با قابلیت‌های بشری کاملاً همخوانی دارد «لا

يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>۲</sup> بلکه سهل (آسان) و سَمَح (با گذشت) است. از رسول اکرم ﷺ در این باره روایت مشهوری نقل شده است که فرمودند: «بُعِثْتُ إِلَيْكُمْ بِالْحَنِيفَةِ السَّمِجَةِ السَّهْلَةِ الْبَيْضَاءِ»<sup>۳</sup> مبعوث شدم به سوی شما با دینی آسان و با گذشت و نیکو.

شهید مطهری رحمته الله در شرح این روایت می‌فرماید:

«در این شریعت به حکم اینکه «سهله» است، تکالیف دست و پاگیر و شاق و حرج آمیز وضع نشده است: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»<sup>۴</sup> «خداوند در دین، تنگنایی قرار نداده است.» و به حکم اینکه «سمحه» است، با گذشت است؛ هر جا که انجام تکالیفی توأم با مضیقه و در تنگنا واقع شدن گردد، تکلیف ملغی می‌شود»<sup>۵</sup>

تقسیم احکام تکلیفی پنجگانه<sup>۶</sup> و به عبارت دیگر، تقسیم به حداقل (واجب و

۲. بقره / ۲۸۶.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ م، ج ۳۰، ص ۵۴۹.

۴. حج / ۷۸.

۵. مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۸ ش، (وحی و نبوت)، ج ۲، ص ۲۴۲.

۶. آموزش فقه (احکام سطح عالی)، محمدحسین فلاح‌زاده، انتشارات الهادی، قم، چاپ پانزدهم، بی‌تا، ص ۲۲.

محرمات) اکتفا نماید، مگر اینکه شرایط برای تبلیغ بیش از آن مقدار فراهم باشد و مخاطبان برای پذیرش آن آماده باشند. همچنین در تکالیف و اعمال اجتماعی مانند نماز جمعه و جماعت و... باید حال ناتوان‌ترین افراد را مراعات کند.

البته خدای متعال، هر چند که در فرایض، رعایت حال افراد کم‌طاقت و ناتوان را کرده است؛ ولی نیاز افراد مستعد را نیز پاسخ گفته. در واقع تشریح مستحبات و مکروهات عنایتی ویژه به انسانهایی است که مایلند راه عبودیت را بهتر و سریع‌تر طی کنند. از این رو، مبلغ با توجه به شرایط و اقتضائات موجود، باید تشویق به انجام مستحبات و ترک مکروهات را نیز در دستور کار خود قرار بدهد و به تدریج، افراد مستعد را به انجام نوافل فرا بخواند، ضمن اینکه مخاطبان خود را توجیه کند که فرائض بر نوافل اولویت دارند و به سراغ نوافل رفتن زمانی صحیح است که در عمل به فرائض مشکلی ایجاد نشود.

امیر مؤمنان علیه السلام در نامه به «مالک اشتر» می‌فرمایند: «هنگامی که نماز جماعت می‌خوانی، با طولانی کردن نماز مردم را پراکنده مکن و همچنین با سرعت زیاد آن را تباه مساز؛ زیرا در میان مردم، بیمار یا

حرام) و حداکثر (مستحب و مکروه) و نیز دقت در کیفیت اجرای احکام، شاهدی بر وجود انعطاف در احکام اسلامی است. به نظر می‌رسد آنچه اسلام از مسلمین می‌خواهد این است که پیوسته به رعایت حداقلهای دینی ملتزم باشند و بیش از آن را تا جایی که برایشان میسر است، انجام دهند و در این بخش هیچ اجباری وجود ندارد.

جالب اینکه در اجرای احکام حداقلی نیز راهکارهایی پیش‌بینی شده است تا اصل سادگی و سهولت رعایت شود، مثلاً کسی که نمی‌تواند نماز را ایستاده بخواند، باید آن را نشسته به جای آورد، و چنانچه در حالت نشسته نیز نتواند، مجاز است که به صورت خوابیده بخواند و به همین ترتیب، سیر سماحت و سهولت آن قدر ادامه می‌یابد که چنین فریضه بزرگی را می‌توان با ایماء و اشاره به‌جا آورد!

و اما مدارا در تبلیغ به چند شکل بروز پیدا می‌کند:

**۱. تبلیغ حداقلهای دینی در هر شرایطی، و تبلیغ بیش از آن در جایی که مقدور و میسر است.**

مبلغ همواره باید توان و ظرفیت مخاطبان خود را در نظر بگیرد و در تبلیغ اعمال دینی به حداقلها (واجبات و



صاحب حاجتی وجود دارد. پیامبر ﷺ مرا به یمن فرستاد، از او پرسیدم: چگونه با مردم نماز بخوانم؟ فرمودند: «در حد ناتوان‌ترین آنها» و بر مؤمنان مهربان باش.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) درباره شیوه نادرست تبلیغی داستانی نقل می‌کنند، ایشان می‌فرمایند: «مسلمانی همسایه‌ای نصرانی داشت که پس از بحثهای طولانی او را به اسلام دعوت کرد و وی مسلمان شد. سحر روز بعد و پیش از اذان صبح، عابد سخت‌گیر، تازه‌مسلمان را برای ادای نافله شب به مسجد برد و او را تا نماز مغرب و عشاء به تعقیبات و مستحبات مشغول داشت. سحر روز دوم به در خانه او رفت تا باز هم برای نماز با هم به مسجد بروند؛ ولی همسایه تازه‌مسلمانش گفت: من از دین شما برگشتم؛ برو آدمی بیکارتر از من پیدا کن که کاری نداشته باشد و وقت خود را بتواند در مسجد بگذراند. من آدمی فقیر و عیال‌مندم، باید دنبال کار و کسب روزی بروم.»<sup>۲</sup>

۱. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَيَّ فِتْرَةً فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةً عِبَادَتِهِ إِلَيَّ سُنَّتِي فَقَدْ أَهْدَىٰ وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أَصَلِّي وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أَفْطِرُ وَ أَضْحِكُ وَ أَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِئَ وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»<sup>۳</sup> آگاه باشید که برای هر عبادتی نشاطی است، سپس آن نشاط به سکون مبدل می‌شود، پس هر کس نشاط در عبادتش بر طبق سنت من باشد، هدایت یافته است و هر کس که مخالف سنت من رفتار کند، قطعاً گمراه شده و عملش در معرض نابودی است؛ من نماز می‌خوانم و می‌خوابم و روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم و می‌خندم و می‌گریم؛ پس هر کس از شیوه و سنت من روی برگرداند، از من نیست.»

۲. امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَنَّهُ قَالَ مَا

## ۲. رعایت نشاط مخاطب

یکی از مسائلی که در انجام اعمال دینی بسیار حائز اهمیت است و عدم توجه

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۶، ص ۱۶۱.

۳. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۸۵.

بعضی از ابواب و کشف بعضی از اسرار عبادات است، آن است که سالک جدیت کند که عبادت را از روی نشاط و بهجت قلب و فرح و انبساط خاطر به جا آورد و از کسالت و ادبار نفس در وقت عبادت احتراز شدید کند.<sup>۳</sup>

شهید مطهری رحمته الله علیه نیز در این زمینه می‌فرماید: «عبادت آن‌گاه اثر خود را می‌بخشد که جذب روح شود و روح از آن به طور صحیح تغذیه نماید. همان‌طور که معنی استفاده از غذای خوب این نیست که هر چه بیشتر بهتر، معنی استفاده از عبادت نیز آن نیست. عبادت باید با نشاط روح توأم باشد. ظرفیت انسان برای عبادت یک ظرفیت محدود است. فرضاً انسان عبادت را با نشاط آغاز کند، پس از مدتی که بدن خسته شد نشاط هم از بین می‌رود و عبادت جنبه‌ی تحمیلی پیدا می‌کند و در حکم خوردنی نامطبوع و مهوعی می‌گردد که عکس‌العمل بدن این است که آن را به وسیله‌ی استفراغ یا وسیله‌ی دیگر دفع نماید، نه در حکم غذای مطبوع که عکس‌العمل بدن این است که آن را جذب کند... خود نشاط تدریجاً با عبادت و انس با ذکر خدا پیدا

مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ شِرَّةٌ وَ فِتْرَةٌ فَمَنْ كَانَتْ فِتْرَتُهُ إِلَى سُنَّةٍ فَقَدْ اهْتَدَى؛<sup>۱</sup> احدی نیست مگر اینکه برای او نشاط و سکون [بی رغبتی] وجود دارد، پس هر که سکون او به سنت منتهی شود، هدایت یافته است.»

۳. از امیر المؤمنین علیه السلام نیز در این باره منقول است:

«إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِذْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمَلُوهَا عَلَى التَّوَابِلِ وَ إِذَا أَذْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ؛<sup>۲</sup> دلها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است. آن‌گاه که نشاط دارد آن را بر انجام مستحبات وادارید، و آن‌گاه که پشت کرده و بی‌نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید.»

بنابراین، همان‌طور که در حال شوق و نشاط نباید افراط کرد و پا را از سنت فراتر نهاد، در حال فترت و سکون نیز نباید در عمل به سنت و انجام حداقل‌های دینی کوتاهی کرد.

در سیره و سخنان علمای اسلام نیز به مسئله نشاط در عبادت توجه جدی شده است. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می‌فرماید: «و دیگر از آداب قلبیه نماز و سایر عبادت که موجب نتایج است؛ بلکه باعث فتح

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۶۸، ص ۲۱۱.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۲ [۳۱۸].

۳. آداب الصلاة (آداب نماز)، امام خمینی، ص ۲۳.

بنابر آنچه بیان شد، مبلغ در تبلیغ احکام و آداب دینی حتماً باید مخاطبان خود را نسبت به اهمیت مسئله «نشاط در عبادت» آگاه کند و خود نیز از تحمیل عبادت بر آنان به طور جدی بپرهیزد.

### نتیجه گیری

انسان به طور فطری به معارف اسلام مایل است و ایمان، مطلوب قلب اوست. از این رو، با توجه به احکام عقل و بر مبنای آموزه های دینی، در تبلیغ، تحمیل دین به مخاطب جایز نیست و در عین حال باید با دقت و ظرافت، احساس نیاز به دین را در وجود او زنده کرد. یکی از راه های ایجاد انگیزه برای دینداری در افراد، به کارگیری اصل «رحمت» در تبلیغ است. مبلغی که این اصل را در فعالیتهای تبلیغی خود به کار می گیرد، راه نفوذ به قلب مخاطب و تأثیرگذاری در او را یافته است. تردیدی نیست که بدون ایجاد ارتباط مناسب، نمی توان در تبلیغ دین «ابلاغی مبین» داشت. از این رو رحمت - که در تبلیغ به شکل مدارا، تغافل، حُسن خلق و... بروز می کند - اصلی اجتناب ناپذیر در تبلیغ دین است که باید در تمام عرصه های تبلیغی، متناسب با نوع تبلیغ به کار گرفته شود و تبلیغ بدون رحمت موفق نخواهد بود.

می شود، اگر روی اصول صورت گیرد، تدریجاً انس و علاقه و نشاط پیدا می شود.<sup>۱</sup> از این رو «سالک باید وقتی مشغول به عبادت می شود با آنکه هنوز میل و رغبت دارد، دست از عمل بکشد تا میل و رغبت به عبادت در او باقی مانده، همیشه خود را تشنه عبادت ببیند، مثل سالک در به جای آوردن عبادات مانند شخصی است که می خواهد غذا تناول کند؛ اولاً باید غذایی را انتخاب کند که مساعد با مزاج او باشد و ثانیاً قبل از اینکه سیر شود، دست از خوردن باز دارد تا پیوسته میل و رغبت در او باقی باشد.»<sup>۲</sup>

از آنچه گفته شد، مشخص می شود که عبادت مؤثر در سیر و سلوک، فقط و فقط عبادت ناشی از میل و رغبت است. امام باقر علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می فرماید: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ؛<sup>۳</sup> همانا این دین استوار است، پس با رفق در آن داخل شوید و عبادت خدا را برای بندگان ناخوشایند نسازید.»

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۳، ص ۳۱۷.
۲. رساله لب اللباب، حسین حسینی تهرانی، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ نهم، [بی جا] ۱۹۴۱ق، ص ۱۰۸ - ۱۰۶.
۳. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۸۶.